



بررسی شیوه تربیتی محبت از منظر آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه

زکیه اکرمی

استادیار دانشگاه فرهنگیان، پردیس فاطمه الزهرا اصفهان، ایران

z360_akrami@yahoo.com

چکیده

مقاله حاضر روش تربیتی مبتنی بر محبت را از منظر مهم‌ترین تعالیم آیین اسلام یعنی قرآن و نهج‌البلاغه مورد بررسی قرار می‌دهد. محبت از آموزه‌های اخلاقی دین مبین اسلام است که بیش‌ترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت انسان دارد؛ از این رو تربیت با استفاده از روش محبت می‌توان تأثیر قابل توجهی در افراد داشته باشد. تحقیق حاضر از نوع نظری و روش آن توصیفی است. یافته‌های پژوهش نشان‌دهنده این می‌باشد که اگر متولیان تعلیم و تربیت روش تربیت مبتنی بر محبت که از روش‌های ناب تربیت اسلامی است را در حوزه آموزشی بکار گیرند، نه تنها باعث رشد و شکوفایی انسان در جنبه‌های فردی و اجتماعی زندگی می‌شود بلکه شوق و کشش به سوی فضائل بیشتر خواهد شد.

واژگان کلیدی: تربیت، محبت، قرآن، نهج‌البلاغه



1- مقدمه

نقش شگفت‌انگیز تعلیم و تربیت در زندگی انسان بر کسی پوشیده و قابل انکار نیست. اگر تعلیم و تربیت به صورت صحیح اجرا شود فرد به کمال مورد نظر دست خواهد یافت، در غیر این صورت فرد و در نهایت جامعه بشری با یک تربیت غلط به انحطاط کشیده می‌شود. انسان‌ها استعدادها و زمینه‌های بسیاری برای رسیدن به مدارج عالی کمال و فضائل اخلاقی دارند؛ در عین حال، تعلیم اسلام اذعان دارند که در انسان زمینه‌های انحراف و سقوط وجود دارد. لذا غایت اصلی تربیت سوق دادن انسان به سمت خیر و خوبی و سپس سعادت و کمال نهایی است. مهم‌ترین و اساسی‌ترین عاملی که می‌تواند در این امر خطیر مؤثر واقع شود معلم و مربی آگاه و کمال یافته است. بنابراین اهمیت وجود مربیان آگاه نیز در کنار اهمیت تعلیم و تربیت برجسته می‌شود. مربی می‌تواند با فراهم آوردن زمینه شکل‌گیری محبت حق تعالی و اولیای الهی در شخص، او را در مسیر کمال قرار داده و موجبات رستگاری وی را فراهم آورد. کسی که محبت الهی و اولیای او را در دل دارد، همیشه خود را در محضر دوست می‌بیند و از گناه و معصیت اجتناب کرده و از هرگونه ناهنجاری خود را به دور می‌دارد.

تربیت روش‌های متنوعی دارد که از نیکوترین و اساسی‌ترین روش‌ها، روش محبت است که بیشترین تناسب را با فطرت و سرشت انسانی دارد. نیروی محبت در تربیت نیرویی تحول‌آفرین است و اگر درست بکار گرفته شود تأثیری شگفت‌انگیز در نزهت آدمی و تحقق تربیت کمالی دارد. جهان آفرینش بر اساس محبت و رحمت سامان یافته است. بدون شک هیچ روشی چون محبت در تربیت انسان مؤثر نیست و مفیدترین روش‌های تربیتی به نیروی محبت کارایی پیدا می‌کند. در مکتب تربیتی اسلام به عامل تربیتی محبت تأکید بسیاری شده است و اولیای الهی از آن بهره‌های بسیار گرفته‌اند و آن را محور تربیت قرار داده‌اند. روش محبت و مهربانی روشی است که از طریق ایجاد تمایل درونی و قلبی در افراد امکان موفقیت شیوه‌های مختلف تربیتی را افزایش می‌دهد و باید در موضوعاتی که جنبه عاطفی بیشتری دارند مانند مسائل مذهبی و اخلاقی توجه بیشتری نسبت به این روش نشان داد. بنابراین با استفاده از روش تربیتی مبتنی بر محبت در کنار سایر روش‌های تربیتی می‌توان نفوذی بی‌نظیر در فرد پیدا کرد و به تربیت صحیح وی اقدام نمود.

در منابع مختلفی به ذکر روش‌های تربیتی اشاره شده است. به دلیل اینکه پایه اصلی شکل‌گیری شخصیت کودک دوران هفت سال اول زندگی است و تقلید و الگوگیری بنیان یادگیری در این دوران است، باید در انتخاب الگو برای فرزندان دقت داشت که این الگوها می‌توانند اطرافیان، همبازی‌ها، دوستان و حتی پدر و مادر باشند. در روش تربیتی گفتاری به روش‌های نیک سخن گفتن والدین در برخورد با کودک اشاره شده است زیرا که گفتار والدین در شکل‌گیری افکار و رفتار دینی کودک تأثیر چشم‌گیری دارد. روش تربیتی احترام و تکریم به عنوان یک شیوه پرورش شخصیت فرزندان است که در آن به شیوه‌های احترام به فرزندان و مضرات حقارت و شخصیت آنان پرداخته است. (یوسفیان، 1393) در روش تربیتی الگوگیری، از قرآن به عنوان الگوی برتر ذکر شده و به نقش مؤثر الگویی پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار برای خانواده‌ها به عنوان الگوهای مجسم تأکید زیادی شده است. در روش تربیتی پیشگیری به این نکته اشاره شده است که اسلام دین هدایت است و پیشگیری و کنترل را در همه راهکارهایش بر درمان مقدم می‌شمارد. در روش محبت و مدارا به این نکته اشاره شده است که محبت رکن و اساس دین است و دین بر پایه آن به دل‌ها رسوخ می‌کند و باید به عنوان راهکار تربیتی فرزندان در کانون پر مهر خانواده مورد اهتمام قرار گیرد (حسینی، 1384). در منابع مختلف تقویت اراده و عبادت به عنوان عوامل تربیتی به‌شمار آمده‌اند و به راه‌های تقویت اراده و نقش عبادت در تربیت پرداخته شده است. همچنین محبت، تقویت حس حقیقت‌جویی، مراقبه و محاسبه، تفکر، محبت اولیا، ازدواج و جهاد را به عنوان عوامل تربیت ذکر کرده‌اند (ضرابی، 1390).

امروزه با توجه به بیان نظریه‌های مختلف در خصوص تعلیم و تربیت و روش‌های مختلف موجود در آن، نیاز جدی وجود دارد که تعلیم اصیل تربیتی از متون معتبر اسلامی استخراج شود تا بتوان به یک نظام تربیت اسلامی جامع و ایده‌آل دست پیدا کرد.



بررسی روش‌های تربیتی مبتنی بر محبت در آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که با هیچ چیز مانند محبت نمی‌توان آدمی را متحول ساخت و او را به سوی کمال و رسیدن به مقام قرب الهی سیر داد و در واقع تمام اجزای هستی با عشق به سوی او در حرکت هستند. از این رو گفته می‌شود هیچ روشی همانند روش تربیتی محبت محور در تربیت آدمی مورد تأکید اسلام نبوده است. در یک نگاه کلی می‌توان گفت انسان نیازهای گوناگونی دارد که جریان تعلیم و تربیت صحیح می‌تواند به بخش بزرگی از این نیازها پاسخ دهد.

به‌طور کلی دین، برنامه‌ای جامع در تمام موارد مربوط به زندگی بشر است و به‌طور خاص دین اسلام، جامع‌ترین برنامه زندگی است که در جزئی‌ترین موارد زندگی از جمله تربیت نسل‌ها، برنامه همه جانبه‌ای را معرفی می‌نماید؛ از این‌رو زندگی در یک جامعه اسلامی ایجاب می‌کند تا همه جنبه‌ها از جمله تربیت رنگ و بوی اسلامی داشته باشد. این مقاله در نظر دارد با استفاده از دو منبع مهم اسلامی، یعنی قرآن و نهج‌البلاغه، در خصوص محبت و روش تربیت محور در دین مبین اسلام بررسی‌هایی انجام دهد تا گامی هر چند کوچک در جهت طرح روش‌های تربیت اسلامی در جامعه اسلامی ایران برداشته شود.

2- اصول روش تربیتی محبت

روش در اصطلاح علوم تربیتی به شیوه‌هایی اطلاق می‌شود که با استفاده از آن‌ها فرد می‌تواند تعلیمات و معارف حق و اخلاق پسندیده را در خود یا دیگری پیاده کرده و عمق بخشد و ناپاکی را از صفحه دل و روح خود یا دیگری بزاید. محبت به معنای دوست داشتن است و اثر آن احسان و نرمش و پرهیز از خشونت و سخت‌گیری است. محبت و دوستی یکی از حقایقی است که ما در وجدان خود می‌یابیم و ابزار این دوستی به دیگران را به فارسی مهرورزی گویند. در مقابل محبت، عداوت است که هیچ چیز مانند آن برای جامعه خطرناک نیست؛ تلخی عداوت، همه شیرینی‌های زندگی را در کام انسان تلخ می‌کند و مانع پیشرفت جامعه در زمینه‌های گوناگون است و جامعه‌ای که گرفتار این آفت خطرناک شود، راهی جز انحطاط و سقوط در پیش ندارد. لذا دینی را که بر پایه محبت استوار می‌داند، عداوت را ضد دین معرفی می‌کند.

محبت بر دو نوع است؛ نخست محبت عاقلانه و منطقی که محبتی است مقرون به منطقی و موافق با مصلحت. محبتی که واقعاً احسان و محبت است، اعم از اینکه خوشایند فرزندان باشد یا نباشد. در این نوع محبت، والدین به مصلحت و خیر و سعادت واقعی فرزندان خود می‌اندیشند و مطابق مصلحت با آن‌ها رفتار می‌کنند. دوم محبت غیرعاقلانه و غیرمنطقی و آن محبتی است که مقرون به منطقی نیست و عبارت است از موافق میل رفتار کردن مانند محبت پدر و مادر که مقیاس محبت آن‌ها میل و خواسته فرزندان است. هر چه فرزندان بخواهند همان را می‌دهند و هر چه را که آنان دوست بدارند برایشان فراهم می‌کنند و در اختیارشان قرار می‌دهند اگر چه به خیر و صلاح آن‌ها نباشد. در این محبت والدین تسلیم امیال و خواسته‌های فرزندان خود هستند.

نیروی محبت از نظر اجتماعی نیروی عظیم و مؤثری است. بهترین اجتماع آن است که با نیروی محبت اداره شود. علاقه و محبت زمامدار عامل بزرگی برای ثبات و ادامه حیات حکومت است و تا عامل محبت نباشد رهبر نمی‌تواند و یا بسیار دشوار است که اجتماعی را رهبری کند و مردم را افرادی منضبط و قانونی تربیت کند ولو اینکه عدالت و مساوات را در آن اجتماع برقرار کند. مردم آنگاه قانونی خواهند بود که از زمامدارشان علاقه ببینند و آن علاقه‌هاست که مردم را به پیروی و اطاعت می‌کشد. قلب زمامدار بایستی کانون مهر و محبت نسبت به ملت باشد

بدون تردید محبت در دیدگاه اسلام رعایت میل‌ها نیست، بلکه موافق مصلحت و خیر و سعادت است. گذشته از اینکه در این محبت کردن مصلحت فرد به تنهایی مقیاس نیست بلکه مصلحت جمع باید در نظر گرفته شود. اسلام در تربیت دینی فرزندان این‌گونه مهرورزی و محبت را توصیه کرده است.

3- تربیت از منظر اسلام

پس از این‌که اولین آیات وحی بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل شد، نخستین سند مدون تعلیم و تربیت اسلامی بر دو عنصر بنیادین تعلیم و تربیت یعنی کسب دانش و معرفت از یک سو و تعالی روح و کمال انسانی از سوی دیگر پایه‌گذاری شد؛ از این رو قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است که بخش عمده آن به‌طور مستقیم درباره مباحث اخلاقی و تربیتی و بخش‌های دیگر آن نیز که در معارف، عقاید و احکام نازل شده است، جنبه تربیتی دارد و هرگونه اعتقاد یا عمل را در استای تربیت و تزکیه قرار می‌دهد.

تبیین مفهوم تربیت به ویژه از منظر اسلامی از جهات گوناگونی حائز اهمیت است؛ زیرا مفهوم تربیت مفهومی بحث‌انگیز و بسار پرمجاده است. تربیت در اصطلاح عبارت است از: فراهم ساختن زمینه‌های رشد و شکوفایی تربیت‌پذیر و رساندن او به مرحله‌ای که استعدادها و قابلیت‌هایش را بروز دهد. این شکوفاسازی با موازین و ضوابط الهی میسر است؛ از این‌رو، خلاف چنین ضوابطی شکوفاسازی محسوب نمی‌شود و بنابراین تربیت هم قاصد نمی‌شود.

شهید مطهری در تعریف تربیت می‌گوید: "تربیت عبارت است از پرورش دادن؛ یعنی به فعلیت درآوردن و پروردن استعدادهای درونی بالقوه‌ای که در چیزی موجود است و لذا تربیت باید متناسب با طبیعت و سرشت شیء باشد. یعنی اگر قرار باشد شیء شکوفا شود، باید کوشید همان استعدادهایی که در آن است ظهور و بروز پیدا کند و اگر استعدادی در شیء نیست بدیهی است که پرورش در آن معنا ندارد" (مطهری، 1368).

4

4- محبت از دیدگاه اسلام

اسلام به این قضیه از دو بعد نظر می‌کند، اول بعد انسانی و فطری و دوم بعد جنسی و غریزی. در بعد نخست، اسلام از تمامی انسان‌ها (مؤنث و مذکر) می‌خواهد که به چشم هم نوع به یکدیگر بنگرند چندان که کرامت انسانی را در میان هم پاس دارند و در رفع حوائج هم بکوشند و از هم حمایت کنند و در گرفتاری‌ها به یاری هم بشتابند و خلاصه (انسان بودن) را ارج بگذارند و بایستی نسبت به انسان‌های دیگر احساس نزدیکی و دوستی کنند. احادیث بسیار زیادی در خصوص رعایت حقوق مؤمنین و مسلمین از حضرت رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) وارد شده است که از مجموع آنها این‌گونه استفاده می‌شود که اسلام بر مسأله دوستی و محبت که باعث ربط آدمیان به همدیگر و ایجاد نوعی احساس متقابل در میان آنان می‌گردد پافشاری می‌کند و این درجه از دوستی و پیوند درونی را یکی از جلوه‌های ایمان می‌شمارد. بر این اساس نگاه بی‌روح و بی‌عاطفه به دیگران و مشکلاتی که در زندگی، با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند نگاهی مؤمنانه نیست. قرآن از محبت و دوستی این چنین یاد می‌کند: "امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که ایشان را دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است" (قرآن، ممتحنه، 7).

بعد دیگر جنبه غریزی است که کسی، کس دیگری را تا سر حد طبیعی‌ترین نیازهایش از قبیل خوردن و آشامیدن دوست بدارد و به او تعلق خاطر بسپارد، در این جنبه محبت و دوستی خود به خود جنبه جنسی گره می‌خورد. این نوع دوستی را در فضای ذهن بسیاری از جوانان و نوجوانان و حتی برخی از بزرگسالان نیز می‌توان دید در این فضاست که در حقیقت افراد مجذوب زیبایی ظاهر و دیگر مسائل برانگیزاننده جنسی قرار دارند و آن چه بیش از همه اهمیت می‌یابد همین طرق قضیه است. در نگاه اسلام این‌گونه محبت و ورزیدن و عشق تنها در صورتی که مقدمه‌ای برای ازدواج باشد پذیرفتنی و مقبول است. از این رو مانعی ندارد که مرد به زن مورد علاقه‌اش که جمالش دستمایه جذب او شده میل کند، از نظر اسلام مرد می‌تواند برای فراهم آوردن مقدمات ازدواج و ارزیابی همسر آینده خویش از جنبه‌های زیباشناختی و مسائل دیگری از این نوع به او بنگرد اما ضابطه‌مند و در چارچوب تعریف شده و بدون هوی و هوس و شهوترانی افسار گریخته. اما آن چه از محبت ورزی، وسیله لهو و لعب و بر هم

زننده نظام حاکم بر ارتباط زن و مرد در حوزه زناشویی گردد، به کلی مردود و ناپسند است. فراتر از این، هر آن چه که سرانجام به انحرافات جنسی بیانجامد از هر نوع چه قلبی، چشمی یا زبانی یا عملی، و یا در نهایت زمینه وقوع انحراف و تحریک جنسی را فراهم کند، از آنجا که پدید آورنده مشکلاتی اخلاقی خواهد شد که آدمی را به باتلاق انحراف خواهد کشید از جنبه دینی و اسلامی مطرود است و خلاصه این که اسلام می‌خواهد به عاطفه و احساس جنبه عقلی بخشیده شود تا از این رهگذر، انسان افسار عاطفه خویش را به دست عقل بسپارد و از پوسته به ژرفا و مغز فرو رود. اسلام نمی‌خواهد دختر و پسر جوان به صرف یک نگاه ساده و یا مسائل سطحی دیگر خود را ببازند و آهنگ دلدادگی سرکنند، زیرا که قطعاً این مسائل بسیار زودگذر و غیر واقعی است. نظر اسلام نه تنها در این مسأله که در همه روابط انسانی مانند دوستی‌ها و همکاری‌ها و سایر معاشرت‌ها نیز چنین است و از آنجا که انسان دارای دو بعد مادی و معنوی بوده و اسلام نیز برای همه ابعاد او برنامه‌ای دارد در این مورد که یکی از جنبه‌های مادی انسان است را او را رها نکرده است و آن چه مایه سعادت و کمال وی و دوری و نجات او از شقاوت و بدبختی است بیان نموده و به همین جهت برای این نوع محبت قائل به ضوابط و شرایطی است و خلوت کردن با همدیگر یا دست زدن به کارهایی را که فراهم آورنده تحریکات جنسی است، مجاز نمی‌شمارد، اما با این همه، آنان را از سخن گفتن‌های پاک و بی‌شائبه باز نمی‌دارد.

4-1- محبت در قرآن

در قرآن کریم موضوع مهرورزی و محبت تحت عناوین مختلف مانند رحمت، حب، رأفت، مودت، ولایت، اخوت و ... همراه با متعلقات مختلفی (خدا، دنیا، مال، انسان و ...) بکار رفته و در مقابل آنها هم عناوینی چون برائت، عداوت، بغضاء و ... استفاده شده است. در بسیاری از آیات قرآن از محبت یاد شده است که این آیات را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد. دسته اول آیاتی که در وصف مومنان است و از دوستی و محبت عمیق آنان نسبت به حضرت حق یا نسبت به مومنان سخن گفته است. دسته دوم آیاتی که از دوستی حضرت حق به مؤمنان سخن می‌گوید و دسته سوم آیاتی که متضمن دوستی‌های دوطرفی و محبت‌های متبادل است؛ دوستی حضرت حق نسبت به مومنین و دوستی مومنان نسبت به حضرت حق و دوستی مؤمنان نسبت به یکدیگر. نقش تربیتی محبت در قرآن از دو رویکرد می‌تواند مورد توجه قرار گیرد. رویکرد اول محبت مری نسبت به فرد؛ یعنی یک مری اگر بخواهد در شخصی تأثیرگذار باشد در مرحله اول باید با محبت، جان و درون او را متوجه خویش سازد که اگر در این مورد موفق شود ادامه تربیت دینی و تهذیب او کار چندان مشکلی نخواهد بود. در رویکرد دوم انسانی که خواهان تهذیب نفس و تربیت خودسازی می‌باشد نیز لازم است به مری و الگوهای رفتاری خویش محبت و عشق بورزد (رافعی، 1390).

4-2- محبت در نهج‌البلاغه

یکی از عواطف و احساسات انسان که امام علی(ع) در تربیت دینی از آن سخن به میان می‌آورد، محبت است. محبت گوهری خدادادی است که سرمایه وجود انسان برای رشد و کمال است. محبت به دو قسم تقسیم می‌شود. محبت ممدوح و محبت مذموم. محبت ممدوح محبت به خدا و اولیای الهی است که موجب تربیت و رشد و کمال انسان می‌شود و محبت مذموم دل‌بستن انسان به امور فانی و بی‌ارزش است.

از منظر امام علی(ع) اساس دین اسلام بر محبت استوار شده و پایه‌های آن بر بنیان وثیق و عمیق دلدادگی به خداوند بنا گردیده است. اگر عشق و محبت به خداوند و دین او بر آدمی حاکم شود، مطیع محض او می‌گردد و با پارسایی از محبوب خود هر چه فرمان رسد آن را به جان می‌پذیرد.



امیرالمؤمنین (ع) عشق و محبت را درمان همه زشتی ها و ناخالصی ها می داند. با توجه به میزان گسترده تأثیر محبت در تربیت و نقشی که محبت در مشاکلت و مشابَهت دارد، اولیای خداوند آن را بهترین بستر تربیت می دانستند و آن را محور تربیت قرار می دادند. چنان که امیر مؤمنان علی (ع) بدان اشاره کرده و فرموده اند: " ما درخت نبوتیم و فرود آمدن گاه رسالت و جای آمد و شد فرشتگان و معدن های دانش و چشمه سارهای بینش. یاور و دوست ما امیر رحمت می برد و دشمن و کینه جوی ما، انتظار قهر و خشم خدا" (نهج البلاغه، خطبه 36).

بنابراین از دیدگاه حضرت علی (ع) روش محبت کارسازترین روش در اصلاح آدمی و زینت شخص به صفات نیکوی انسانی است. در نهج البلاغه بیشترین نقش تربیت خردمندانه به محبت اختصاص یافته و بیان شده است آنچه آدمیان را به هم پیوند می دهد و زمینه تربیت مطلوب را فراهم می سازد، محبت بوده و از این رو باید بیشتر از هر روش دیگر مورد عنایت قرار گیرد (نهج البلاغه، خطبه 33).

3-4- عوامل محبت در احادیث اسلامی

در احادیث اسلام برای محبت عوامل مختلفی ذکر شده است. بطوریکه محبت را محور ایمان معرفی کرده و بیان شده است که هر کس معیار محبت و دشمنی او دین نباشد دین ندارد. فطرت و سرشت انسان به گونه ای است که وقتی به او احسان شود، مجذوب می شود و انس می گیرد؛ بنابراین احسان، نیکی، توجه و حضور قلب به خدا عواملی هستند که باعث ایجاد محبت می گردند. در حدیثی از پیامبر نقل شده است که وقتی کسی را دوست می دارید محبت خویش را اظهار کنید، اظهار محبت صلح و صفا به وجود می آورد و انسان ها را به هم نزدیک می سازد (باقری، 1392).

نقطه مقابل محبت در تعلیم و تربیت اسلامی خشونت معرفی شده است. خشم و غضب از آن جهت که تعادل روحی انسان را به هم می زند و عقل و هوش را از او می گیرد. از این رو شخص از فضایل و کمالاتی چون نرمی در رفتار، مدارا با دیگران و حسن معاشرت بی نصیب می گردد. قرآن متذکر می شود با کفاری که در برابر گسترش اسلام ایستادگی می کنند، با خشونت و شدت رفتار می شود و این همان سخت گیری است که از نیروی خشم در راه گسترش دعوت الهی سرچشمه می گیرد (قرآن، فتح: 29).

5- پیامدهای روش تربیتی محبت

اگر اخلاق را که صفت نفسانی و اعمال و رفتار عالی انسان است در جهت صحیح و مثبت لحاظ کنیم، اخلاق به یکی از مهمترین ثمره تربیت تبدیل خواهد شد. بر این اساس، تربیت فعلی است که اخلاق حاصل آن است، اگر چه تمامی آن نیست. تربیت اخلاقی فرآیند درونی سازی ارزش های اخلاقی و شکل گیری شخصیت انسان براساس ویژگی های انسان کامل است. بدین ترتیب می توان گفت یکی از پیامدهای روش تربیتی بر مبنای محبت، تربیت اخلاقی و آموزش اصول و پرورش فضایل است.

با توجه به اصل ابراز یا منع محبت، دو روش تربیتی در آیین اسلام وجود دارد. نخست روش بیان مهر و قهر و دوم روش عطا و حرمان است. به زبان آوردن مهر، سبب تحکیم پیوند تربیتی و حفظ این پیوند و همچنین تسهیل کننده تأثیرگذاری مری و فرد بر یکدیگر است. از این رو در منابع روایی تیز بایی تحت عنوان آگاهان دین دوستان از محبت درونی به آن ها بر بیان مهر و محبت تأکید شده است. مری با بیان محبت خویش نسبت به فرد، او را دل بسته خویش می گرداند که این دل بستگی به وجود آمده بسیار قدرتمند و کارساز است و می توان با تکیه بر آن، فرد را آماده قبول مسئولیت ها و تکالیف نمود. خداوند متعال، خود در موضع تربیت، همین شیوه را بکار بسته است. ائمه اطهار نیز از همین روش استفاده می کرده اند. بیان محبت، علاوه بر اظهار صریح آن، گاه به صورت های دیگری نیز انجام می شود. به عنوان مثال "ستایش" نیز از مواردی است که مانند بیان محبت در شنونده کارساز است. البته ستایش بی جا که مترادف با چاپلوسی است، منظور نیست. خداوند نیز در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) را با وصفی بلند ستوده است. در برابر روش بیان مهر، بیان قهر نیز مفید و کارساز خواهد بود. البته بیان قهر با روش های تنبیهی متفاوت



است و روش‌هایی چون زجر و تنبیه مناسب نبوده و استفاده از آن‌ها تأثیری در پی نخواهد داشت. خداوند متعال در برخورد با انسان، مکرر از این شیوه استفاده کرده است و به‌جای استفاده از عذاب و عقاب، بی‌مهری خود را نسبت به عمل و گناه عامل بازگو می‌کند. یکی از مظاهر بارز بی‌مهری، نکوهش است. این روش، از روش بیان قهر، تندتر و شدیدتر است؛ چرا که نکوهش با تقبیح همراه است در حال که بی‌مهری تنها سلب مهر است.

روش دیگر، روش عطا و حرمان است. این روش نیز مبتنی بر اصل ابراز یا منع محبت است و تفاوت آن با روش قبل در این است که در این روش، محبت به‌صورت بیانی اظهار نمی‌شود. بلکه در رفتار نمود پیدا می‌کند و از آنجا که رفتار دلیلی بر راستی گفتار است، این دو روش در کنار هم و مکمل یکدیگرند. ابراز محبت به‌صورت عملی و رفتاری به دو صورت اعطای هدیه به شخص و یا به طریق محروم ساختن او از آنچه به وی ارزانی شده بود، انجام می‌گیرد که به آن روش عطا و حرمان می‌گویند.

مسئله محبت، ابراز و دریافت آن، در دین اسلام پسندیده و از فضایل اخلاقی به‌شمار می‌رود که به آن سفارش بسیار شده است. از مهم‌ترین انواع محبت که در منابع اسلامی به آن‌ها اشاره شده است، می‌توان به محبت بین خالق و مخلوق، محبت به همسایه‌ها، محبت به هم‌نوع و نیز محبت به دشمن اشاره کرد. در محبت بین خالق و مخلوق بالاترین نوع محبت مختص به پروردگار عالمیان، خداوند یکتا است. محبت به دشمن نیز در آیین اسلام وجود دارد و این در حالی است که در جایی که لازم می‌باشد تنبیه صورت گیرد، دیگر به دشمن محبت نمی‌شود و دو اصل تولی و تبری یا همان حب و بغض مطرح می‌شود.

در ارزش و اهمیت نقش تربیت و پرورش همین بس که خداوند در آیات بسیاری خود را رب و پروردگار موجودات دانسته و پس از مقام الوهیت به ربوبیت و پروردگاری خویش بر جهانیان اشاره می‌کند.

۶- نتیجه‌گیری

هر یک از روش‌های تربیتی که در قرآن و نهج‌البلاغه به آن اشاره شده است دارای اهمیت هستند و برای هر فرد در شرایط مختلف تعریف و جایگاه خاصی می‌یابد که استفاده از آن‌ها نیازمند درک ظرفیت در افراد است و فهم این امر بر عهده مربیان و متولیان تعلیم و تربیت است. مسئله مهم این است که در کاربرد روش‌ها در تربیت اسلامی حتماً باید به مسئله کرامت و شخصیت انسانی توجه کرد. در این مقاله به بررسی یک از روش‌های عاطفی تربیت که روش محبت است، پرداخته شد و معلوم شد که اهمیت این روش تا اندازه‌ای است که استفاده از این روش در تربیت دینی از مؤثرترین و کارآمدترین شیوه‌های تربیتی است. در تربیت هر اندازه که عامل محبت در انسان قوی‌تر باشد، جاذبه انسان به سوی فضایل بیشتر خواهد بود. شیوه محبت در سراسر زندگی انسان‌ها روشی مطلوب و ایده‌آل در بستر تربیت اسلامی است که هم جاذبه در افراد می‌آفریند و هم انگیزه؛ از این رو باید از آن استفاده کرد تا بتوان تأثیر دلخواه را در افراد به‌وجود آورد. بی‌گمان در تربیت تا پیوندی انسانی، ارتباطی عاطفی و زمینه دوستی فراهم نشود، نمی‌توان گامی در جهت اهداف مطلوب برداشت و این امر شاخصه تربیت انسانی است.

منابع

- باقری، خسرو، 1392، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، انتشارات مدرسه.
حسینی، محمد، روش‌های تربیت اسلامی در پرتو قرآن و نهج‌البلاغه، فصلنامه مصباح، شماره 57، 1384، 145-160.
رافعی، علی، 1390، محبت در قرآن و حدیث و تجلی آن در سیره نبوی، قم، نشر ادیان.
ضرابی، علی، تربیت محبت محور، فصلنامه اسلام و پژوهش‌های تربیتی، شماره سوم، 1390، 163-180.
قرآن. ترجمه الهی قمشهای، قم: انتشارات پارسایان، 1384.
مطهری، مرتضی، 1368، تعلیم و تربیت در اسلام، تهران، انتشارات صدرا.
نهج‌البلاغه. ترجمه محمد دشتی، تهران، انتشارات پیام عدالت، 1395.